

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یادداشت:

خواننده عزیز!

ما ضمن سپاس از همکار گرامی ما آقای "کاظمی" به خاطر همکاری مداوم شان، نشر نوشته ارسالی فعلی شان را بیشتر بدان خاطر اولویت دادیم که درسی باشد برای آنها نیکه هنوز هم فکر می کنند، اشغال می تواند یک کشور را آباد و بی نیاز بسازد. امید است این گونه افراد با مطالعه مطلب حاضر اندکی تکان خورده و اگر چیزی به نام وجدان نزد آنها وجود داشته باشد، آن وجدان بیدار شده و بیش از این برای اشغال کشور خودشان تئوری بافی ننمایند. تئوری بافی که به جز ننگ و نفرین تاریخ چیز دیگری برای آنها به ارمغان نخواهد آورد.

با عرض حرمت

اداره پورتال AA-AA

فرستنده: علی کاظمی
۱۰/۱۲/۳۱

دیدگاه‌ها:

اشغال عراق و نقش نیروهای اجتماعی

ادامه مطلب:

نهادهای کارگری

جنبش کارگری عراق در هشتاد سال گذشته، از زمان استقلال از انگلیس، دوره‌های متفاوتی را طی کرده است که بسیاری از آن با اوج و سقوط جنبش کارگری ایران همزمان است، به خصوص در مقاطع سال‌های ۱۳۳۲ (۱۹۵۳) و ۱۳۵۷ (۱۹۷۸). برخی از نهادهای کارگری عراق که زمانی می‌توانستند تا بیش از سیصد هزار کارگر را برای مراسم اول ماه می به خیابان‌ها بیاورند، در دهه هشتاد تبدیل به وسیله‌ای برای سرکوب نیروی کار و کشاندن کارگران به میدان جنگ علیه ایران شدند. در مجموع تشکلیابی و تشکیل نهادهای کارگری در عراق را می‌توان در سه دوره بررسی کرد: دوره اول تشکیل نهادهای دولتی و دوره دوم بعد از حمله عراق به کویت و دوره سوم بعد از اشغال توسط آمریکا.

فدراسیون سراسری سندیکاهای عراق (۱۰) در سال ۱۹۶۳ تأسیس شد و هنوز هم فعال است. این فدراسیون تا قبل از اشغال و تا سال ۲۰۰۳، به جز در فواصل کوتاهی در دهه هفتاد که حزب کمونیست در آن فعال بود، در مجموع به عنوان ابزار سرکوب کارگران عراق و به عنوان زیر مجموعه حزب بعث در بخش خصوصی فعالیت می‌کرد. این نهاد همگام با صدام سبب تصویب قانون ضد کارگری ۱۹۸۷ مبنی بر حذف کارکنان بخش دولتی و عمومی از قانون کار شد. نهاد مخفی کارگری هم با نام جنبش دمکراتیک سندیکائی کارگران (۱۱) در همان دوران ۲۴ ساله فعالیت می‌کرد. این نهاد که غیرقانونی اعلام شده بود با افشاءگریهایش در رابطه با تضییع حقوق کارگران، در آگاه کردن افکار بین‌المللی در مورد جنبش کارگری عراق نقش بسزائی داشت.

بعد از اشغال عراق و بازگشت بسیاری از فعالین کارگری و مدنی به عراق، شرايطی فراهم شد تا این فعالین در سطح نهادهای مدنی و کارگری، با تأسیس تشکلهای جدید به فعالیت علنی بپردازند. از سال ۱۹۹۰ به بعد چندین فدراسیون سراسری و تشکل سندیکائی در عراق به وجود آمد که عبارت بودند از:

فدراسیون شوراها و اتحادیه های کارگری عراق (۱۲)، فدراسیون سندیکاهای عراق (۱۳)، فدراسیون سراسری سندیکاهای عراق (۱۴)، سندیکای سراسری کارگران شهر اربیل، سندیکای سراسری کارگران شهر سلیمانیه و فدراسیون کارگران نفت (۱۵) و ...

فدراسیون کارگران نفت به خاطر مبارزه اش برای جلوگیری از خصوصی سازی صنعت نفت در سطح بین‌المللی بسیار شناخته شده است و با اعتراضاتش نقش بسیار برجسته‌ای در رشد و ارتقاء کارگران عراق در هفت سال گذشته داشته است. در سال ۲۰۰۵ اتحادیه‌های کارگران نفت عراق قطعنامه‌ای علیه قانون خصوصی‌سازی نفت منتشر کردند که به وسیله پل برمر و همکارانش نوشته شده بود. در بخشی از این قطعنامه چنین آمده است:

”پیمان تولید مشترک (آگ پ)، پیمانی است که طبق آن به دولت امریکا و شرکت‌های نفتی چند ملیتی در محدوده عراق این اجازه را می‌دهد که به مدت ۲۵ تا ۴۰ سال آینده، بدون هیچ‌گونه مشکل سیاسی از این خصوصی‌سازی بهره برده و تا آنجا که می‌توانند نفت عراق را استخراج نمایند. تک تک مفاد این پیمان مانند همیشه مخفی است. این پیمان همچنین در مدت قراردادش غیرقابل تغییر و برگشت است و هر دولتی هم که در آینده در عراق بر روی کار آید نمی‌تواند تا پایان مدت مقرر مجدداً برای تغییر مفاد آن به مذاکره بپردازد”.

در بخش دیگر قطعنامه چنین آمده است:

“طبق گزارشی که بر اساس طرح خام این پیمان در پائیز ۲۰۰۵ علنی گشت، از تاریخ عقد این قرارداد در حدود ۶۴ درصد ذخایر نفتی عراق بدون برگشت در اختیار شرکت‌های نفتی خارجی قرار می‌گیرد. پیمان (آگ پ) سهم سود شرکت‌های نفتی خارجی از نفت عراق را بین ۴۲ تا ۱۶۲ درصد ضمانت خواهد نمود”.

اتحادیه‌های کارگران نفت عراق، بعد از انتشار خبر مذکور در یک گردهمایی تصمیم گرفت:

“هیأتی از سوی اتحادیه‌های کارگران نفت عراق به المان/اتریش/سوئیس عازم شدند تا راهی پیدا کنند که علیه خصوصی‌سازی صنایع نفت در عراق کاری انجام دهند.

اما متأسفانه جلسه و اقدامات اتحادیه‌های کارگران نفت عراق از حمایت ملی و دیگر اقشار زحمتکش بر خوردار نشد. علت اصلی این مسأله نیز در آن زمان، پراکندگی و آوارگی مردم بود. مردم برای پیدا کردن لقمه نانی به دنبال تانک‌های امریکائی می‌دویدند و فرصت فکر کردن به آینده نفت عراق را نداشتند. در نتیجه کارگران نفت تنها ماندند. صدای آن‌ها یک وجب آن ورتر نرفت و جامعه کارگری بین‌المللی نیز حمایت خاصی از آنان نکرد. چند ماه بعد از انتشار قطعنامه بالا، کارگران نفت عراق در بصره دسته‌جمعی اخراج شدند. علت این امر متوقف کردن

استخراج نفت به علت خطر انفجار چاه‌های نفت توسط تروریست‌ها اعلام شد. کارگران نفت کرکوک با حمایت خود از کارگران اخراجی دست به اعتصاب زدند. امریکائی‌ها و دولت به ناچار کارگران اخراجی را در جاهای مختلف مشغول نمودند. اما آن‌ها دیگر پراکنده شده بودند. کارگران اخراجی نفت در آن زمان اعلام کردند که استخراج نفت در بصره متوقف نشده است، بلکه بدون حضور آنان انجام می‌شود. (۱۶)

حرکات اعتراضی دیگری نیز در چند سال اخیر در عراق رخ داده است از جمله اعتصاب و تظاهرات کارگران سیمان تاسلوچه (سلیمانیه) می‌باشد. به بهانه تأسیس یک نیروگاه برق در این منطقه قرار شد که کارخانه سیمان تعطیل شود. کارگران خواهان آن بودند که کارخانه به جای دیگری منتقل شود و به تولید خود ادامه دهد. اما دولت مخالف چنین امری بود و علت آن را هزینه سنگین جابه‌جائی کارخانه اعلام کرد. این در حالی بود که همزمان کارخانه سیمان جدیدی در کردستان تأسیس شد. کارگران اعتصاب کردند و در محل کارخانه بست نشستند. نیروهای نظامی به کارگران حمله کردند و به روی آنان آتش کشیدند.

در روزهای ۱۳ تا ۲۹ ژوئن همان سال، سربازان انگلیسی و امریکائی به تجمعات و تشکل‌های کارگری و افراد شناخته شده آنها حمله کردند. قاسم هادی توسط سربازان امریکائی به شدت مضروب شد. تظاهرات کارگران بیکار از هم پاشید. هشت تن از فعالان کارگری کشته شدند. در پایان سال ۲۰۰۵ در حمله‌ای به تجمع کارگران در بغداد ۱۳ نفر کارگر کشته شد و آن را در اخبار به تروریست‌ها نسبت دادند. اما در خیلی از سایت‌ها این فاجعه را به سربازان امریکائی و پلیس عراق نسبت داده بودند. در ۲۹ مه ۲۰۰۶ اتوبوس کارگران عراقی مورد حمله قرار گرفت و در نتیجه ۱۲ نفر کشته و ۱۵ نفر به شدت مجروح شدند. دولت عراق و امریکائی‌ها این فاجعه را به “تروریست‌های ایران” نسبت دادند، چون این اتوبوس گویا از قرارگاه اشرف برمی‌گشته است. از این دست اخبار فراوان است. در اگست ۲۰۰۶ روزنامه گاردین با یکی از رهبران اتحادیه کارگران نفت عراق به نام “حسن الجوما الاعواد” دبیر کل اتحادیه کارگران نفت جنوب در بصره مصاحبه‌ای انجام داد. الاعواد ضمن اینکه اشغال عراق را یک نوع حرکت “نو استعماری” خواند گفت:

“با وجود اینکه ما دارای ۲۳ هزار عضو هستیم اما امریکائی‌ها و دولت عراق به ما اجازه فعالیت سندیکائی نمی‌دهند و ما را به رسمیت نمی‌شناسند.” (۱۷)

بعد از اشغال عراق عملاً نهادهای سابق دست نخورده باقی‌مانده و به کارشان ادامه می‌دهند، به خصوص که حزب بعث هنوز هم خود را به‌عنوان اپوزیسیون می‌داند. فدراسیون سراسری سندیکاهای عراق که وابسته به حزب بعث بوده هنوز هم فعالیت می‌کند و عضو اتحادیه‌های کارگری عرب است و از آن‌ها کمک مالی دریافت می‌کند، پس از اشغال عراق به جریانات اسلامی در عراق نزدیک شده است.

فدراسیون شوراهای اتحادیه‌های کارگری عراق، فدراسیون سندیکاهای کارگری عراق و فدراسیون کارگران نفت مستقل از دولت هستند و دو نهاد اول بدون هیچ پنهان‌کاری ارتباط خود را با احزاب سیاسی علنی مطرح می‌کنند. اولی به حزب کمونیست کارگری عراق (۱۸) و دومی به حزب کمونیست عراق (۱۹) وابسته هستند. فدراسیون کارگران نفت به جریانات شیعه جنوب عراق نزدیک است. این تشکل‌ها تا حدودی با حفظ استقلال‌شان چه در سطح حزبی و چه در محیط کار عملاً توانسته‌اند در اعتصابات و اعتراضات محیط کار شرکت و به این ترتیب در جهت مبارزه برای تغییر قوانین ضدکارگری حرکت کنند. هر سه کنفدراسیون خواهان خروج نیروهای اشغالگر و خواهان تشکیل دولتی مستقل و فارغ از احساسات فرقه‌ئی، نژادی، ملی و مذهبی هستند.

رابطه اتحادیه‌ها با سایر اتحادیه‌های بین‌المللی

فدراسیون‌ها و سندیکاهای کارگری در اکثر ایالت‌های عراق فعالیت دارند و در بسیاری از بخش‌ها مانند ساختمان سازی، راه آهن، حمل و نقل، برق، بیمارستان‌ها، بنادر، پوشاک، مواد غذایی، مخابرات، آموزش و پرورش، صنایع فلزی، مهندسی، روزنامه‌نگاری، دانشجویی، پتروشیمی و نفت فعالیت می‌کنند و بر اساس آماري که به آی تی یو سی اعلام کرده‌اند در حدود ۶۰۰ هزار عضو دارند.

بزرگترین ضعف تشکلیابی در عراق وجود قوانین ضد کارگری است که ایجاد تشکلی کارگری را در بخش دولتی و عمومی ممنوع کرده است. همانند ایران که در صنایع نفت و ستراتیژیک از قبیل خودروسازی فعالیت کارگری ممنوع است.

اتحادیه‌ها مشکلات مالی بسیاری دارند. پرداخت حق العضویت داوطلبانه است نه اجباری و از طریق کم کردن از حقوق کارگران. در نتیجه آنها برای پیشبرد کارهای آموزشی، تعلیماتی و کنفرانس‌هایشان وابسته به کمک‌های اتحادیه‌های کارگری خارجی هستند. این وابستگی مشکلاتی را برای اتحادیه‌های کارگری عراق ایجاد کرده است. فدراسیون شوراهای اتحادیه‌های کارگران عراق روابط بسیار نزدیکی با اتحادیه‌های کارگری امریکا دارد که تا حدود زیادی زیر پوشش نهاد کارگری امریکائی، سولیدریته سنتر، هستند. همچنین فدراسیون سندیکاهای کارگری عراق روابط بسیار نزدیکی با اتحادیه‌های کارگری انگلیس دارند. (۲۰)

ICFTU در عمان، پایتخت اردن، دفتری برای کمک به اتحادیه‌های کارگری عراق باز کرده است و نمایندگانی از تشکلی‌های کارگری عراق در تمام کنگره‌های کنفدراسیون آی سی اف تی یو و آی تی یو سی شرکت می‌کنند. (۲۱) امروزه تنها سربازان و مستشاران نظامی امریکائی دولتی و خصوصی، تجار و بازرگانان، اقتصاد دانان و نمایندگان شرکت‌های بزرگ و کوچک در عراق حضور ندارند، بلکه هزاران متخصص علوم اجتماعی و سیاسی و آموزشی و برنامه‌ریزان اتحادیه‌های نیز در عراق مشغول به کارند تا به قول خودشان کشور جدیدی بسازند. در حقیقت بخشی از فرایند اشغال، یا به زبان اشغالگران "توسعه"، توسط این متخصصان طرفدار غرب به پیش برده شده و از این طریق تکمیل می‌شود. پس طبیعی است که در زمینه فعالیت‌های کارگری نیز سولیداریته سنتر (بخش کارگری وزارت امور خارجه امریکا) و اتحادیه‌های انگلیسی دولتی، حضوری پررنگ در جامعه کارگری عراق داشته باشد و سعی کنند با سمت و سو دادن به جریان‌های کارگری، از آنان تشکلی‌های کمرنگ و بی‌خطر برای سرمایه‌داری بسازند.

در گزارش سالانه ۲۰۰۹ سولیدریته سنتر (مرکز کارگری وزارت خارجه امریکا) از پنج اتحادیه کارگری عراق نام برده می‌شود که برای گرفتن کمک جهت احقاق حقوق کارگری به امریکا رفته‌اند و در امریکا به نمایندگان کنگره امریکا می‌گویند:

«ما می‌خواهیم صدایمان را به گوش تصمیم‌گیران برسانیم که بخشی از ستراتیژی‌تان کمک به گسترش دموکراسی برای کارگران عراق باشد» (فلاح علوان نماینده فدراسیون شوراهای اتحادیه‌های کارگری عراق) (۲۲)

فدراسیون شوراهای اتحادیه‌های کارگران عراق کنفرانسی در رابطه با مسایل کارگری ارتباطات- حمایت بین المللی و خصوصی‌سازی در ماه مارس ۲۰۰۹ در شهر اربیل برگزار کرد. در این جلسه نمایندگان مهمان بسیاری از سایر کشورها شرکت داشتند. از فدراسیون سندیکاهای کارگری عراق هم دعوت به عمل آمده بود اما آنها شرکت نکردند. (این فدراسیون متعلق به حزب کمونیست عراق است) در این کنفرانس نمایندگانی از اتحادیه‌های امریکا، انگلیس و... شرکت داشتند. حضور نمایندگان سولیداریته سنتر نیز پررنگ بود. (۲۳)

برخی نمایندگان این نهادهای کارگری عراق با گرفتن کمک مالی و نزدیکی‌شان با نهادهای کارگری در امریکا و انگلیس، بیشتر از طریق رایزنی مشغول فعالیت‌های ضد اشغال و گرفتن حق امتیاز برای بهبود وضعیت کارگران عراق هستند و روی رایزنی با نمایندگان کنگره امریکا و مجلس انگلیس زیاد حساب می‌کنند. نگاهی به سایت‌های این نهادها میزان ارتباط آن‌ها را با نهادهای انگلیسی و امریکائی نشان می‌دهد. مشکل اساسی‌تر این نهادها از سوئی نداشتن ارتباط تنگاتنگ با کارگران عراقی در محیط کار و از سوی دیگر مشکلات مادی سبب می‌شود از نظر مالی به سندیکاهای خارجی وابسته باشند. فعالیت‌های آنان بیشتر به پخش اعلامیه و انتشارات محدود می‌شود و بیشتر در فضای مجازی اینترنت است. این مسأله حتی تا جایی پیش می‌رود که اعضای برخی اتحادیه‌ها و رهبران آن که در خارج از عراق زندگی می‌کنند، به صورت کمپینی، عکس‌عملی و حقوق بشری با مسایل کارگری عراق برخورد می‌کنند و شاید در مواردی خود را با حرکات جنبش کارگری غرب تنظیم می‌کنند. پایه اساسی این مشکل در این است که آنها هنوز با مسائل کارگری فرقه گرایانه برخورد می‌کنند و همین مسأله نمی‌گذارد تاکتیک‌هایشان را ارتقاء داده و با بدنه کارگری رابطه نزدیکتری برقرار کنند. (۲۴)

در کنار این تشکلهای، جریان‌های مستقل کارگری نیز فعالیت گسترده‌ای دارند، اما آنها زیر فشار شدید هستند و از فعالیتشان با ترفندهای مختلف جلوگیری می‌شود. در واقع می‌توان گفت دو جریان کارگری در عراقی مشهود است: یکی جریان مستقل که تنها به نیروی خود کارگران متکی است و جریان دیگری که می‌خواهد مشروعیت خود را در تأیید نهادهای رسمی کشورهای مهاجم بیابد.

این جریان‌های مستقل بیشتر از سایر تشکلهای قربانی اشغال هستند و بسیاری از اعضای رهبریشان دستگیر و به قتل رسیده‌اند. در طول سال‌های اشغال تهدید به کشتن کارگران مستقل و نمایندگان واقعی آنها به امری طبیعی تبدیل شده است. ریختن به محل سندیکا و بردن اموال سندیکا، زندان، بیکاری، اخراج رهبران کارگری در چند سال گذشته وجود داشته است. بسیاری از کارگران در مسیر کار و یا در محیط کار قربانی نیروهای اشغال‌گر و بمب‌گذاری نیروهای تروریستی و گروه‌های مسلح شدند.

این یک واقعیت است که از یک طرف با توجه به شرایط نظامی و امنیتی موجود در عراق امر سازماندهی و سندیکائی کار بسیار مشکل است و از سوی دیگر بیکاری و بی‌آیندگی خود معضلی اساسی برای نهادهای کارگری است، ولی این را نباید از یاد برد که وابستگی و عمل‌کرد غیرمستقلانه چه در داخل عراق و چه در روابط کارگری با دیگر کشورها تاثیر منفی می‌گذارد. (۲۵)

رابطه دولت عراق با تشکلهای کارگری

سیستم قانون کار عراق هنوز دست نخورده است و می‌شود تا حدودی گفت که بدتر هم شده است. چرا که کمپانی‌های چندملیتی که در عراق کار می‌کنند سیاست‌های ضد کارگری و ضداتحادیه‌ئی بسیاری دارند. ماده ۱۵۰ قانون کار مصوب ۱۹۸۷ (دوران صدام حسین) است در دولت بعد از اشغال نیز اجراء می‌شود. هنوز هم هر نوع فعالیت مستقل سندیکائی در عراق محدود است و این قانون مشکل اساسی بسیاری از تشکلهای مستقل کارگری عراق است. این قانون نه تنها حق تشکل و اعتصاب را ممنوع کرده بلکه حداقل دستمزد را نیز برای کارگران در نظر نگرفته است. با تغییر عنوان شغلی کلیه کارهای رسمی در بخش عمومی به خدمات شهری (در اصل همان تغییر عنوان کارگر به کارمند است) کارکنان این مشاغل از پیوستن به سندیکا محروم شدند. در بخش خصوصی،

تنها در واحدهائی که تعداد کارگران شان از ۵۰ نفر بیشتر باشد، می‌تواند کمیته‌هائی تشکیل شود، این هم فقط شامل کمتر از ده درصد نیروی کار در عراق است.

در هفتم اگست ۲۰۰۵ ماده ۸۷۵۰ توسط دولت تصویب شد. این ماده به دولت حق می‌دهد به طور مستقیم دارائی‌ها و اموال سندیکا را ضبط کند. با رجوع به همین قانون بود که دولت اموال فدراسیون نفت را مصادره کرد. تصویب قانون ضدبعثی Debaathification، یعنی از بین بردن تمامی تعلقات حزبی به حزب بعث و رژیم سابق، تا بدانجا پیش می‌رود که این حق را به دولت می‌دهد که حتی نتیجه انتخابات سندیکا را غیرقانونی اعلام کند. طبق همین ماده اموال فدراسیون سراسری کارگران عراق را تصرف کردند (۲۶) در تاریخ ۲۰ جولای ۲۰۱۰ وزارت برق کلیه فعالیت‌های اتحادیه ئی را در بخش‌های متبوع خودش ممنوع و تمامی اموال اتحادیه را ضبط کرد و اعلام کرد هر نوع حرکت اعتراضی اعضای اتحادیه علیه دولت جرم شناخته می‌شود. (۲۷) در بخش پتروشیمی، بنادر، بیمارستان‌ها هم، موارد بسیاری در ارتباط با بستن دفتر سندیکا گزارش شده است. در بروشور تبلیغاتی یک اتحادیه کارگری عکسی از یک اسکناس مربوط به دوران صدام حسین به چشم می‌خورد. در این بروشور نوشته شده است: “هفت سال از سقوط صدام می‌گذرد ولی هنوز کارگران بخش عمومی خواستار آزادی تشکل هستند”. (۲۸)

با اینکه در سال ۲۰۰۴ طرح I.L.O و سندیکاها برای تغییر قانون کار به دولت فرستاده شده است. اما در زمینه حق تشکل، قرارداد دسته جمعی و اعتصاب، برای تغییر ماده ۱۵۰ قانون ضدکارگری ۱۹۸۷، اقدامی صورت نگرفته است. این مسأله نشان می‌دهد که دولت فعلی عراق تا کنون هیچ حرکت مثبتی در جهت احقاق حقوق کارگران انجام نداده است.

بعد از اشغال عراق با وجود اینکه بسیاری از رسانه‌های غربی طرفدار حقوق بشر ادعا می‌کنند آزادی‌های سیاسی، انتخابات آزاد و مطبوعات آزاد وجود دارد، اما عراق یکی از بدترین کشورها از نظر “وضعیت حقوق بشر” در چند سال گذشته بوده است. در سالنامه ۲۰۰۹ آی تی یو سی در این رابطه گزارش مفصلی است که نشان می‌دهد با ادامه روند اجرای قوانین دولت بعث، شرایط کارگری عراق همان است که بود. بخش عمده این گزارش‌ها مبنی بر دستگیری، ربودن، قتل و زندانی کردن کارگران و نمایندگان شان است. در سال ۲۰۰۵ هادی صلاح مسوول بخش بین المللی فدراسیون اتحادیه‌های کارگری به ضرب گلوله کشته شد. در جولای ۲۰۰۶ هاشم جبرا از فدراسیون شوراهای کارگری گروگان گرفته شد. در همان سال ردا مجد یکی دیگر از فعالین این اتحادیه ترور می‌شود. در اکتبر همان سال جنازه نجم جاسم از اتحادیه مکانیک و ثابت حسین علی از اتحادیه کارکنان بیمارستان پیدا شد و علا عیسی خلف ترور شد. در سال ۲۰۰۷ جنازه عدنان ال عابد وکیل اتحادیه‌های کارگری پیدا شد و در همان سال خلیل ابراهیم از سندیکای کارگران ساختمانی بر اثر بمب مجروح شد...

نزدیک به چهار سال از گزارش آقایان همیلتون و بیکر (دو تن از نمایندگان مجلس امریکا) در مورد وضعیت عراق به کنگره و رئیس جمهور امریکا می‌گذرد. آنها می‌گویند:

“هیچ راه حل جادویی برای حل مسأله عراق و خارج شدن از این وضعیت وجود ندارد، ولی ما می‌توانیم با این گزارش بگوئیم که چگونه منافع خودمان را در عراق حفظ می‌کنیم” (۲۹)

گزارشی که در آن نه تنها کشتار صدها هزار و آوارگی میلیون‌ها انسان را تأیید کرده، از همه مهم تر از بین بردن عراق را به قلم می‌آورد و نویسندگان آن ابائی ندارند که بگویند باید اقتصاد آن کشور را بر اساس منافع امریکا بازسازی کرد. این گزارش با زبان دیپلماتیک به مردم امریکا نشان می‌دهد که دلایل حمله به عراق چه بوده و چکار باید بکنند که از این بحران بیرون بیایند. هر چند این گزارش توسط خود نمایندگان انتخابی بوش و کنگره امریکا

ارائه شد ولی از آن استقبال نشد؛ چرا که آش آنقدر شور شده بود که صدای آشپز را هم در آورده بود و نمی‌توانستند این چنین بی پروا نقاط ضعف را بشنوند .

امریکا به همراه متحدان غربی‌اش در زمان جنگ خلیج فارس و اشغال کویت توسط عراق (۱۹۹۰) و در ادامه همان پروژه با اشغال کل عراق در سال ۲۰۰۳ می‌خواستند نقش هژمونیکشان را در منطقه از دست ندهند و همچنین رویای تغییر نقشه سیاسی - جغرافیای منطقه خاورمیانه را در سر داشته و دارند تا کشورهای دیگر منطقه را به مدار بازار جهانی سرمایه داری بکشانند. در مجموع در طول دو دهه گذشته، چه در زمان زمامداری بوش پدر و چه در کشورگشائی‌های بوش پسر، تمام این کارها به خاطر حفظ امنیت نفت، بهبود وضعیت اقتصادی و مهار زدن بر بحران اقتصادی کشور آمریکا و متحدانش بوده است. در اصل این سود سرمایه‌هاست که منطق این گونه طرح‌ها را تعیین می‌کند و در این راه از هیچ جنایتی هم کوتاهی نخواهند کرد؛ درست مانند آنچه در ویتنام انجام دادند. زمانی که خبرنگاران جهانی نیوزویک و تایمز از رؤسای ارتش آمریکا، آرنست و بوریس، در ۷ فبروری ۱۹۶۸ در سایگون سؤال کردند چرا روستای بن تری را از بین بردید؟ این جمله معروف را به کار بردند: “برای حفظ روستا ضروری بود کل روستا را از بین ببریم” (۳۰)

ائتلاف موقت از جمله شمال آقای چلبی، جریانات کرد اتحادیه میهنی، حزب دمکرات کردستان تا احزاب کمونیستی تشکیل شد. قطعنامه ۱۴۸۳ سازمان ملل به این نهادها اختیار داد که کنترل جامعه را در مدت کوتاه به دست بگیرند. اما آنها تا به امروز هم، با تمام انتخاباتی که برگزار شده است، هنوز آزاد و مستقل عمل نمی‌کنند و نیروهای آمریکا و متحدانش نقش تعیین کننده‌ای در سیاست عراق دارند. (۳۱) شاید بسیاری از نیروهایی که در ائتلاف ۲۰۰۳ شرکت کردند، از جمله اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان عراق تصورشان این بود که نیروهای آمریکا همانند سال ۱۹۹۰ بعد از چند هفته کشور را، تحت کنترل سازمان ملل، به نیروهای ائتلاف خواهند سپرد، غافل از آن که هدف از کشاندن این نیروها به این بازی مرگبار چیز دیگری بود، بازی که نتیجه‌اش ساختن کشور جدید عراق به قیمت نابودی مردم عراق است. نیروهای اشغالگر تنها نیازمند مجوزی از طرف این نهادها برای حمله و نابودی عراق بودند .

نتایج اشغال به گونه‌ای فاجعه‌بار بود که طارق عزیز، وزیر امور خارجه دوران دیکتاتوری صدام در مصاحبه با گاردین خواستار عدم خروج نیروهای آمریکائی شد و آرزوی شهادت برای خودش را دارد تا چنین وضعیتی را مشاهده نکند. او می‌گوید آمریکا عراق را کشت. البته این نکته را هم متذکر می‌شود که “امریکائی‌ها می‌دانستند سلاح کشتار جمعی وجود ندارد، ولی در هر صورت کار خودشان را می‌خواستند انجام بدهند.” (۳۲)

طنز تاریخ آنجا است که بوش پسر در سال ۲۰۰۳ در سخنرانی‌اش به مناسبت بیستمین سالگرد N.E.D می‌گوید : ساختن دمکراسی در عراق، بعد از سه دهه استبداد، کار آسانی نیست، چرا که مستبد قبلی با ترور و خیانت میراثی جز ترس و ویرانی از خود به جا نگذاشته است و این مهم فقط به متحدین دولت موقت و شورای امنیت واگذار شده است که برای ساختن عراق دیگری باید همکاری کنند. (۳۳)

وضعیت دشوار و پیچیده منطقه خاورمیانه طلب می‌کند که نیروهای اجتماعی و آگاه در این منطقه با برخوردی دقیق و هوشیارانه مواضع درستی اتخاذ کنند تا عملکرد مناسبی داشته باشند. آنچه مسلم است سرمایه‌داری جهانی برای حل بحران‌های خود مدت دو دهه است که متوجه خاورمیانه شده است و هم چنانکه کارشناسان و نظریه‌پردازان آن می‌گویند اقتصاد بسته منطقه را می‌خواهند با هر وسیله ممکن و از جمله جنگ و اشغال بکشایند و

قوانین بازار آزاد را در منطقه گسترش دهند. حفظ حالت جنگی در منطقه و تصویب قطعنامه‌های تحریم به بهانه پرونده‌ی اتمی، بخشی از برنامه‌ی سرمایه‌داری جهانی برای یک دست کردن منطقه است.

کشورهای منطقه به خاطر ترس از مواجه شدن با سرنوشت عراق، خود دست به کشودن بازارها برای سرمایه‌های جهانی می‌زنند. در ایران نیز با همه‌ ادعاهای غرب ستیزی، برای حفظ قدرت و جلب رضایت سرمایه‌داری جهانی، به استقبال کشودن بازارها برای سرمایه‌گذاری می‌روند و با اجرای حذف سوبسیدها با تمام قوا سعی بر آن دارند که به غربیان بفهماند که حاضرند با اجرای طرح‌های اقتصادی این چینی، بازارهای ایران را تمام و کمال در برابر غرب بکشایند تا غربیان نیز از فشار سیاسی خود بر ایران بکاهند. با این عمل آنها می‌خواهند بگویند که ما بهترین کسانی هستیم که توانائی پیاده کردن سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی را با کمک مشت آهنین داریم یا آنکه در اقتصاد هر چه شما بگوئید اما در زمینه سیاسی ما را بپذیرید. این بده و بستان‌ها در ماه‌های اخیر، به رغم تمام شاخ و شانه کشیدن‌ها، آشکار و واضح است.

به نظر می‌رسد نیروهای کارگری در عراق برای مقابله با شرایط پیش آمده برنامه دقیق و منسجمی ندارند. بخشی از نیروهای کارگری در عراق به جای برنامه‌ریزی و انسجام صفوف کارگران بیشتر به فکر گرفتن حقوق خود از طریق لابی‌های واشنگتن و زد و بند با محافل سرمایه‌داری هستند و به جای پرداختن به مبانی اصلی نجات کارگران و زحمتکشان و مردم عراق، بیشتر وقت خود را صرف مذاکره با نهادهائی می‌کنند که بازوی اصلی و به وجود آورنده‌ی چنین وضعیتی هستند. در مقابل فعالین مستقل، که هیچ تریبونی برای انتشار مطالب و طرح خواسته‌های خود ندارند، هر روز بیشتر زیر ضرب قرار می‌گیرند.

راه حل مسایل عراق جدا از راه‌های حل موجود برای مسایل کل منطقه نیست. اکنون سرمایه‌داری با تمام قوا سعی بر آن دارد که منطقه‌ی خاورمیانه را به هر ترتیب در تسخیر چنگال‌های سرمایه‌داری قرار دهد و در این راه به هر ترتیب با تقویت نظام‌ها و حکومت‌های بنیادگرا و نولیبرال به صورت درهم آمیخته یا مجزا در تثبیت موقعیت خود می‌کوشد. امروزه در منطقه بینادگرائی و نولیبرالیسم دو روی یک سکه شده‌اند و متناسب با شرایط، نیروهای سرمایه‌داری به تقویت یک گرایش و یا حمایت از گرایش دیگر می‌پردازند و در عراق که نمونه‌ی بارز ساخت کشوری نمونه در منطقه است، به نوعی به تلفیق این دو گرایش تمایل دارند و در برابر، با نیروهای مستقل و مترقی به شدیدترین وجه برخورد کرده و یا آنکه آنان را در لابی‌های هزارتوی سرمایه‌داری سرگردان می‌کنند.

تحلیل دقیق از شرایط، برنامه‌ریزی، وحدت و انسجام برای نیروی‌های مستقل و مترقی در منطقه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بدون درک عمیق از شرایط و بدون داشتن برنامه‌ای مشخص در مقابله با طرح‌های اقتصادی بازار آزاد نمی‌توان به آینده‌ی شفاف امیدوار بود. نیروهای مستقل منطقه باید در برخورد با شرایط جدید هر چه بیشتر به استقلال و برنامه‌ریزی در جهت مقابله با سیاست‌های بی‌درو و پیکر کشودن منطقه به روی سرمایه‌داری لجام‌گسیخته عمل کنند. سرمایه‌هائی که به دنبال دو دهه بحران، اکنون برای یافتن محلی مناسب جهت گردش بی‌امان در کسب سودهای کلان، از هیچ جنایتی فروگذار نمی‌کنند. **امروزه مقابله با سیاست‌های بنیادگرایانه به هیچ وجه جدا از مقابله با سیاست‌های نولیبرالی نیست و لابی کردن با یک طرف به امید دریافت سهمی از قدرت، جز به مسلخ فرستادن کارگران و زحمتکشان و مردم تحت ستم منطقه نیست.** در چنین شرایطی ضرورت انسجام و همکاری نیروهای مستقل از هر زمان دیگری بیشتر است.

اکنون که نیروهای مستقل منطقه خاورمیانه به صف اول مقابله با سرمایه‌داری جهانی و منطقه‌ی کشیده شده‌اند، جز با درایت پشتکار و پیوندهای محکم با مردم منطقه در این کارزار راهی وجود ندارد. نیروهای مستقل عراقی و

سایر کشورهای منطقه نیز از این امر مستثناء نیستند و با فاصله گرفتن از زو بندها و لابی‌گری‌ها می‌توانند در اتحاد با نیروهای مستقل منطقه و جهان، آینده‌ای روشن را برای مبارزات مردم آن رقم زنند. آینده‌ای که بدون پشتوانه و به کارگیری تجربیات غنی انقلابیون منطقه رقم نخواهد خورد.

عقرب - آبان ۸۹

منابع و زیر نویس:

۱ - نامی کلین دکترین شوک بخش هفتم قسمت عراق
۲ - مکتب فریدمن یا شوک درمانی معتقد است که برای جلوگیری از بحران های فزاینده باید همواره جامعه را از نظر اقتصادی درحالت شوک نگه داشت تا مردم به طور دائم در تکاپو باشند. با خصوصی کردن و به تخریب و بازسازی اقتصادها می‌توان همواره مردم را در حالت شوک قرار داد. پاک کردن تمام محفوظات قبلی در شوک درمانی و ایجاد زمینه ای خالی در ذهن افراد بیمار روانی، الگویی برای پاک کردن اقتصاد قبلی و ایجاد اقتصادی جدید است.

۳ - نامی کلین دکترین شوک بخش هفتم قسمت عراق

۴ - <http://www.doingbusiness.org/Documents/CountryProfiles/IRQ.pdf>

5-

[http://www.icarda.org/ACIAR/PDFs/Presentations/AgricultureInIraq/IraqsAgricultureAndSeedSector\(DrKhamisJul05\).pdf](http://www.icarda.org/ACIAR/PDFs/Presentations/AgricultureInIraq/IraqsAgricultureAndSeedSector(DrKhamisJul05).pdf)

6- این گزارش‌ها از سوی سازمان امریکائی "کودکان را نجات دهید" و نیز از سوی کمیته خانواده، زن و کودک در پارلمان عراق نیز تأیید شده است.

۷ - گزارش روز نامه سوئدی سپتامبر ۲۰۱۰، برگردان م. جمشیدی، bitte.hammargren@svd.se

8- http://www.iauiraq.org/reports/Iraq_Labour_Force_Analysis.pdf

9-

http://www.nytimes.com/2007/12/29/world/middleeast/29kurds.html?pagewanted=1&_r=1

10- The Iraqi General Federation of Trade Unions (GFTU)

11- The Workers Democratic Trade Union Movement (WDTUN)

12- The Federation of Workers Councils and Unions in Iraq (FWCUI)

13- the Iraqi Federation of Trade Unions (IFTU)

14- the Iraqi General Federation of Trade Unions (GFTU)

15- Federation of Oil Unions in Iraq

16- کارگران عراق در مبارزه علیه خصوصی سازی و بیکاری (برگردان از عربی پاول وود / هلگا هایدریش،

برگردان به فارسی ناهید جعفرپور)

۱۷ - مختصری از جنبش طبقه کارگر در عراق نوشته مظفر

<http://www.basraoilunion.org/2005/11/hassan-jumaa-awad-in-uk-nov-22th-dec.htm>

18- <http://www.wpiraq.net>

- 19- <http://www.iraqicp.com>
- 20- <http://www.labourfriendsofiraq.org.uk/archives/000614.html>
- 21- <http://www.solidaritycenter.org/files/TrainingReport.pdf>
- 22- http://www.solidaritycenter.org/files/pubs_annual_report_2009.pdf , p16
- 23- <http://issuu.com/safeen/docs/towards2009>
- 24- <http://www.solidaritycenter.org/files/TrainingReport.pdf>
- 25- <http://www.tuc.org.uk/international/tuc-10310-f0.cfm#Iraq> –
<http://www.labourfriendsofiraq.org.uk/archives/000614.html>
- 26- <http://survey07.ituc-csi.org/getcountry.php?IDCountry=IRQ&IDLang=EN>
- 27- <http://www.ituc-csi.org/iraq-trade-unions-banned-in-the.html?lang=en>
- 28- http://www.iraqtradeunions.org/wordpress/wp-content/uploads/2010/07/BITN-831_05.pdf
- 29- http://media.usip.org/reports/iraq_study_group_report.pdf
- 30- http://en.wikipedia.org/wiki/B%E1%BA%BFn_Tre
- 31- <http://www.iraqcoalition.org/regulations/#Memoranda>
- 32- <http://www.guardian.co.uk/world/2010/aug/05/iraq-us-tariq-aziz-iran>
- 33- <http://www.ned.org/george-w-bush/remarks-by-president-george-w-bush-at-the-20th-anniversary>